



شخصیت زن در سبک فکری نظامی بر اساس دیدگاه سیمون دوبووار (مطالعه موردی: خمسه نظامی طهماسبی)

رقیه حبیبی^۱ ID، حسین منصوریان^۲ ID، رضا فرصتی جویباری^۳ ID

^۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران. Roghayehhabibi23@gmail.com
^۲ (نویسنده مسئول) دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران. Hosein.mansoorian@yahoo.com
^۳ استادیار گروه زبان، ادبیات فارسی، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران. Dr.forsati@yahoo.com

چکیده

زن به عنوان یکی از اعضای جامعه بشری که نقش مهمی در بقای جوامع داشته است، در آثار ادبی و هنری مختلفی موضوع بحث و بررسی بوده است. یکی از شاعرانی که به این مضمون پرداخته است، نظامی گنجوی است. این اثر بعدها توسط هنرمندان دوره صفوی مصور گردید. بررسی و بازنمایی شخصیت زن در این اثر ادبی و هنری می‌تواند روشنگر نقش و جایگاه زن در این مقطع تاریخی باشد. روش تحقیق به صورت کتابخانه‌ای و نوع آن، تحلیلی-توصیفی است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در مقایسه با معاصران و مقتضیات زمان، زن در سبک فکری نظامی جایگاهی نسبتاً متعالی و قابل احترام داشته است. این مسئله در برخی زمینه‌ها با دیدگاه سیمون دوبووار قابل مقایسه و در برخی زمینه‌ها نیز کاملاً با دیدگاه دوبووار متفاوت است؛ نظامی و دوبووار از این نظر که برای زن شخصیتی مستقل و آزاد قائل هستند، دارای اشتراک فکری هستند اما در برخی زمینه‌ها از جمله بحث تأکید بر جنسیت و بُعد جسمانی و همچنین بُعد معنوی شخصیت زن، تفاوت‌های معناداری میان سبک فکری نظامی و دیدگاه سیمون دوبووار وجود دارد. دوبووار در همه زمینه‌ها برای زن آزادی مطلق قائل است و در عین حال، نیازهای زن را به بُعد جنسی و جسمی محدود می‌کند اما در سبک فکری نظامی، زن دارای ارج و مقامی والا است که می‌تواند شخصیتی رشدیافته داشته باشد و به والاترین مراتب اجتماعی و عرفانی ارتقا یابد؛ بنابراین در مجموع، نظامی در اثر بهره‌مندی از آموزه‌های اسلام و عرفان اسلامی، برای زن جایگاهی متعالی‌تر از دوبووار قائل است و تقریباً تمامی جنبه‌های شخصیتی زن را مورد توجه قرار داده است؛ اما سیمون دوبووار در اثر تأکید بر حضور صرف زن در جامعه و توجه به بُعد جسمی و جنسی او، صرفاً نیازهای مادی و دنیوی او را در نظر گرفته است.

اهداف پژوهش

۱. واکاوی شخصیت زن در اندیشه نظامی و سیمون دوبووار.
۲. بررسی شخصیت زن در خمسه نظامی طهماسبی.

سؤالات پژوهش

۱. مهم‌ترین مشخصه‌های زن در دیدگاه نظامی و سیمون دوبووار چیست؟
۲. مهم‌ترین مشخصه‌های زن در خمسه نظامی طهماسبی چیست؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۳

دوره ۱۸

صفحه ۱۶۹ الی ۱۸۷

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۰/۰۳/۱۷

تاریخ داوری: ۱۴۰۰/۰۵/۱۰

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۲۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۹/۰۱

کلمات کلیدی

نظامی، سیمون دوبووار، شخصیت زن، خمسه نظامی طهماسبی.

ارجاع به این مقاله

حبیبی، رقیه، منصوریان، حسین، فرصتی جویباری، رضا. (۱۴۰۰). شخصیت زن در سبک فکری نظامی بر اساس دیدگاه سیمون دوبووار (مطالعه موردی: خمسه نظامی طهماسبی). هنر اسلامی، ۱۸(۴۳)، ۱۶۹-۱۸۷.



[dori.net/dor/20.1001.1.1735708.1400.18.43.20.3](https://doi.org/10.22034/IAS.1735708.1400.18.43.20.3)



dx.doi.org/10.22034/IAS.2021.303813.1714

مقدمه

جایگاه زن در جامعه همواره یکی از بحث‌برانگیزترین مباحث در ادبیات و فلسفه و روانشناسی و علوم اجتماعی و ... بوده است؛ به طوری که پژوهشگران همواره در این زمینه اظهار نظر کرده و جایگاه و مسئولیت‌هایی را برای زنان قائل شده‌اند. وجه مشترک اکثر نظریه‌هایی که دربارهٔ زنان مطرح شده است، میزان و مرزهای حضور زنان در جامعه است، به طوری که برخی همچون دوبووار، حد و مرزی برای حضور زنان در جامعه و فعالیت‌های اجتماعی آنان قائل نبوده و از نیازها و کارکردهای عاطفی زن غافل شده‌اند و برخی نیز تحت تأثیر آموزه‌های ایدئولوژیک و قرائت‌های قشری از مذهب، حضور زن را محدود به خانه دانسته و او را از حضور در جامعه منع کرده‌اند. البته نظریه‌هایی نیز وجود دارد که حدّ وسط را رعایت کرده است. شخصیت مجموع خصایص باطنی و رفتارهای اجتماعی یک شخص و مجموعه خصوصیات یک انسان است. ترکیب «شخصیت زن» که مترادف «هویت زن» است در آثار ادب‌پژوهان و فرهنگ‌ها به تصریح از آن یاد شده است. نگاه هویتی به زن موجب می‌شود تا زن از حالت شیء بودن یا ابزار کار بودن در خدمت اشاعهٔ مصرف‌زدگی و استثمار، خارج شده و ضمن بازیافتن وظیفهٔ فردی، بتواند در عرصهٔ اجتماعی پیشاهنگ و خود هم‌رمز مردان در میدان‌های فعال حیات باشد؛ در نتیجه پذیرای مسئولیتی خطیرتر و در دیدگاه اسلامی برخوردار از کرامتی والاتر باشد؛ بنابراین مقصود از شخصیت زن در میادین فردی و اجتماعی ویژگی‌ها و فعالیت‌هایی است که موجب تعالی یا سقوط او می‌شود. در واقع شخصیت زن مقوله‌ای است که در آثار شعرای کلاسیک چون سعدی، خاقانی، فردوسی، عطار و ... اجتناب‌ناپذیر است و این موجب می‌شود تا در عصر زن‌ستیز قرن ششم نظامی در خمسهٔ بی‌بدیل خود به حضور زنانی متفاوت بپردازد و دیدگاهی مشخص نسبت به زن را ارائه نماید.

انسان مدرن، در جهان امروز، تنها با ظهور انقلاب صنعتی آن‌چنان متحول گشت که خواهان برابری حقوق زن و مرد شد و این اندیشه اندک‌اندک در گوشه و کنار جهان طرفدارانی بسیار یافت. سیمون دوبووار، فیلسوف فرانسوی که طرفداران فمینیسم او را از خود می‌داند، در کتابی معروف به نام جنس دوم ضمن ارائه عقایدی نزدیک به فمینیسم در جلد دوم این کتاب، شخصیت زنان را به چهار دسته زن نارسیم، زن عاشق، زن عارف و زن مستقل تقسیم می‌کند. بن‌مایه‌های فلسفی عقیدهٔ سیمون را می‌توان در خمسه نظامی نیز مشاهده کرد. خمسه یا پنج گنج سرشار از شواهد این شخصیت‌هاست و به نظر می‌رسد رویکرد نظامی و سیمون دوبووار در ارائه شخصیت‌های زن با یکدیگر مشابهت‌هایی داشته باشد. این جستار در پی پاسخگویی به این پرسش است که زن در سبک فکری نظامی دارای چه اهمیت و جایگاهی است و همچنین، هم‌اندیشی نظامی در ارائهٔ شخصیت‌های زنانه با دوبووار چگونه است. این مشابهت در رویکرد، تا چه اندازه در خمسهٔ نظامی و نسخه مصور آن، خمسه نظامی طهماسبی نمود یافته است؟

جستجو در کتابخانه‌ها و پایگاه‌های نمایه‌سازی داده‌های پژوهشی نشان می‌دهد که تاکنون هیچ تحقیق مستقلی در زمینهٔ موضوع این پژوهش نوشته نشده است. فرخ‌نیا (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «بن‌مایه‌های عرفان گنوسی در داستانی از هفت پیکر نظامی» ردپای اندیشه‌های گنوسی از جمله دوگانگی ماده و روح، هیبوط، اسارت، فراموشی و غربت، بدبینی، شناخت و ... را در داستان پنجم هفت‌پیکر به‌عنوان داستان ماهان بررسی کرده است. آنچه در این مقاله با این جستار مطابقت دارد، سیمای زنان عفرتی است که در قالب زیبارویان بر ماهان وارد شدند و او را فریفتند. زنان

عفریت که در واقع همان شیاطین بوده‌اند، با نظریه نارسایمی مطابقت می‌کنند و این شخصیت در این حکایت از دید نظامی شخصیتی اهریمنی است. ناصری (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «مضامین تعلیمی و تربیتی در هفت‌پیکر» به بررسی تعالیم و پندهای تربیتی در هفت‌پیکر پرداخته است. این زنان با دلبری‌های خود درس‌هایی چون خداشناسی و خداجویی، عدل‌گرایی و ظلم‌ستیزی، خردورزی و خردگرایی، علم و هنر و... را به بهرام پند می‌دهند و آموزگاری اخلاق، ویژگی بارز زنان عاشق در هفت‌پیکر است. دشت ارژنه (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی بازتاب اساطیر یونان در آثار نظامی گنجوی» به بررسی شخصیت‌های مردانه و زنانه‌ای پرداخته که با اسطوره‌های یونانی مطابقت می‌کنند. حسینی (۱۳۸۵) در مقاله‌ای با عنوان «آرمانشهر زنان، مقایسه تطبیقی داستان شهر زنان در اسکندرنامه شاهنامه فردوسی و اسکندرنامه نظامی با اسطوره‌های کهن یونانی و داستان‌های اتو پیاپی» به داستان شهر زنان در اسکندرنامه فردوسی و نظامی پرداخته است. در آثار یادشده به بررسی تطبیقی نظر نظامی و دوبووار پرداخته نشده؛ لذا این گفتار بر پایه روش توصیفی و تحلیلی - تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای درصدد پاسخگویی به این مسئله است.

۱. زن و فمینیسم

بررسی تحولاتی که زنان از نظر نقش و جایگاه خود در اجتماع تجربه کرده‌اند، سبب شده است تا نهضتی به نام فمینیست در راستای احیای حقوق زنان و تلاش برای دستیابی به برابری پدید آید. انسان از نوعی شخصیت ذاتی قابل احترام برخوردار است و در متن خلقت سلسله‌ای از آزادی‌ها به او داده شده است که به هیچ‌وجه قابل سلب و انتقال نیست. بررسی دیدگاه فرهنگ اسلامی نسبت به شخصیت زن نشان می‌دهد که تلاشی برای احیای حقوق زنان وجود دارد. براساس قرآن کریم، این حقوق برای زن به حقوق فردی، خانوادگی و اجتماعی تقسیم می‌شود. مقصود از حقوق خانوادگی، نقش مادری و همسری برای او است و در عرصه اجتماعی آن است که او مانند مرد از مواهب خلقت استفاده کند (مطهری، ۱۳۸۶: ۱۵۵). با وجود آنکه حقوق زنان به دو بخش فردی و اجتماعی تقسیم می‌شود اما حقوق زنان در حوزه فردی و اجتماعی بسیار کم‌رنگ است. نبودن درک کامل از حقوق زنان به این معنی است که حکومت‌ها در سیاست داخلی و خارجیشان به حقوق زنان به‌عنوان حقوق بشر متعهد نیستند. حتی حقوق زنان را از حقوق بشر جدا می‌کنند و او را به‌عنوان انسان درجه دوم و کم‌اهمیت جلوه می‌دهند (حمیدی، ۱۳۸۲: ۱۹). با این تفاسیر می‌توان جنبش فمینیسم را تلاشی برای رهایی از وضعیتی دانست که زنان قرن‌ها تحت تأثیر آن قرار داشته‌اند.

بر اساس روان‌شناسی شخصیت، توصیف شخصیت شامل قضاوت درباره ماهیت حقیقی شخص و تفاوت‌های او با دیگران است. منحصر به فرد بودن شخص، معلول گرایشات زیست‌شناختی و آموزه‌ها و تجربه‌های اجتماعی و فرهنگی وی است (رایکمن، ۱۳۸۷: ۲۵). در عصر پدرسالار که پس از دوران مادرسالاری پدید آمد، نگاه منفی به زن و کوچک و زبون شمردن او منحصر به فرهنگ و منطقه‌ای خاص نیست و پدیده‌ای شایع است. مردسالاری هنوز در بخش اعظم جهان امروز حاکم است و جوامع پدرسالار که زن را مظهر شر می‌شمرند، می‌کوشند تا حوزه اختیار و اقتدار وی را هرچه تنگ‌تر کنند و از زن تصویری معکوس تصویر خود بسازند، تا آنجا که مرد آفریده خدا و تجسم خیر و زن، مخلوق شیطان و مظهر شر می‌شود (ستاری، ۱۳۷۵: ۲۳۳) اما کم‌کم با ظهور اسلام حمایت‌ها و قوانینی برای رفع تبعیض

آشکار شد و صاحبان اندیشه براساس اسلام، پیش از عصر حاضر به بیان حمایت از نیازهای روحی و حقوقی زنان پرداختند؛ بنابراین، این مسئله زمینه‌ساز ایجاد عقاید فمینیستی شد که نمونه آن را می‌توان به صورت اسلامی در آثار مولانا و انواع دیگر آن در نظریات دوبووار مشاهده کرد. با وجود آنکه ارائه مکتب‌های فمینیستی «توانست زنان را از محیط خانواده به صحنه اجتماع بکشد و آنان را در موقعیت به ظاهر برابر در محیط کار و دانش قرار دهد؛ اما نقش‌های اصلی و ذاتی زن همچون مادری و همسری را نادیده گرفت و سبب شد زن احترام مادری و کانون گرم خانوادگی را که مهم‌ترین ابزار زن برای مشارکت اجتماعی و تاثیرگذاری بر اعضای خانواده بود، از دست بدهد» (پژوهشگران، ۱۳۸۲: ۵۷). وجود این دیدگاه‌های متفاوت سبب شده است تا در طول تاریخ شاهد فراز و فرودهای زیادی در نوع نگاه به شخصیت زنان و جایگاهشان در جامعه باشیم.

۲. سیمون دوبووار و نظامی گنجوی

در قرن بیستم با وجود انقلاب صنعتی، جامعه غربی همچنان زن را در خدمت مرد می‌دید و محفوظ کردن و سرگرم کردن او را وظیفه زن می‌شمرد. همین موضوع موجب شد تا اندیشمندانی چون دوبووار به ارائه نظریاتی با رویکرد زن‌گرایی پردازند. «سیمون دوبووار فیلسوف و نویسنده فمینیست و اگزیستانسیالیست فرانسوی در سال ۱۹۰۸ در پاریس متولد شد و پس از دوره‌ای زندگی با ژان پل سارتر و خلق آثارش در سال ۱۹۸۶ چشم از جهان فرو بست. او در کتاب جنس دوم خود، ضمن تبیین نقش مادری و همسری برای زن معتقد است که می‌توان شخصیت زن را به ۴ گروه تقسیم کرد: ۱- زن نارس‌سیست؛ ۲- زن عاشق؛ ۳- زن عارف؛ ۴- زن مستقل» (یزدخواستی، ۱۳۷۸: ۴۰).

سیمون یکی از پرآوازه‌ترین کسانی بود که در دهه ۷۰ از طریق کتاب‌های علمی، رمان، مقاله و سخنرانی در سمینارها و ارتباطات جمعی نظریاتی را پیرامون نقش و جایگاه زنان و پروسه تاریخی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی زنانگی مطرح کرد. «وی از طریق بازتعریف حدود ارتباط بین زن و مرد، نگرش جامعه نسبت به زنان را متحول کرد تا جایی که سیاست‌گذاران غرب به برنامه‌ریزی‌های خاص زنان توجه بیشتری کردند. او براساس مکتب اگزیستانسیالیسم (مکتب اصالت وجود یا مکتب هستی‌گرایانه) خواستار آزادی، اختیار مطلق و بی‌قید و شرط انسان است. بر این اساس وی در کتاب جنس دوم با زیر بنا قرار دادن طبیعت انسان، به تشریح اصول جنس و جنسیت پرداخت که این موضوع نقطه عطفی در آشنایی با تفکرات او است» (همان: ۴۱).

حکیم گنجوی که یکی از شاعران بزرگ سبک آذربایجانی است، در سال ۵۳۵ ه.ق به دنیا آمد و در سال ۵۹۹ ه.ق دیده از جهان فرو بست. «سبک او در لغت و تعبیر، ایهام، استفاده از تلمیحات و... کاملاً شبیه به خاقانی است. او از شاعرانی است که اسلوب خاص خود را دارد و با آن همه تقلید که از مثنوی‌های او کرده‌اند، چهره‌اش هیچ‌گاه مخدوش نشده و صدایش هنوز به گوش می‌رسد و می‌توان شعر سره او را از شعر دیگران تشخیص داد. پرداختن به داستان‌پردازی و بیان عواطف و احساسات از مشخصه بارز سبک او است و وی چون دیگران به امور حقیری از قبیل تقاضا و مدح وقت نگذرانده است. او استاد بی‌بدیل استعاره است و زبانی کاملاً تصویری دارد. می‌توان به جرأت گفت که به لحاظ شعر من حیث هو شعر کسی به گرد او نرسیده است» (شمیسا، ۱۳۸۲: ۱۶۱-۱۶۰).

نظامی در زمینه داستان‌پردازی از شاعران سرآمد شعر و ادب فارسی است و «در داستان‌های عاشقانه خویش توانسته برای انتقال آنچه در ضمیر داشته است، صورت ادبی و فرم لازم و متناسب را بیافریند و پیشگامی او در این زمینه به کار بزرگ فردوسی شباهت دارد. آفرینش زبان، تعبیر، فرم هنری برای داستان‌های حماسی و بیان هنری گرم و شورانگیز راز تأثیر مثنوی‌های بزمی نظامی در طول قرن‌هاست. دیگر آنکه قدرت تخیل نظامی، همدلی، پیوند عاطفی او با قهرمانان داستان، حسن قریحه و استعداد او در سرودن شعر غنایی و عاشقانه، او را در این عرصه یگانه کرده است» (ناصری، ۱۳۹۲: ۱۹۰-۱۸۹)

۳. خمسه نظامی طهماسبی

این کتاب یکی از آثار ارزشمندی است که در دوره صفوی توسط هنرمندان این دوره خلق شده است. خمسه نظامی یکی از مهم‌ترین آثار ادبی او است. ارزش این اثر سبب شده است تا در دوره‌های مختلف تاریخی مورد توجه هنرمندان قرار گیرد. بعد از شاهنامه‌نگاری، خمسه‌نگاری مورد توجه هنرمندان دوره صفویه قرار گرفت. با توجه به اینکه صفویان در زمینه هنرپروری گامی بلند برداشتند، احداث کتابخانه و کارگاه‌های سلطنتی باعث شد هنرمندان بنام از سراسر کشور گرد هم بیایند. وجود کاتبان، شاعران، نگارگران، طراحان، نساجان، مذهبان و جدول‌کشان و دیگر هنرمندان، زمینه‌ساز خلق آثار ارزنده‌ای گردید (شریف‌زاده، تقدس‌زاده، ۱۳۹۸: ۴۲). در خصوص این اثر باید گفت، نگارگری و شاعری از دیرباز با فرهنگ و هنر ایران زمین بوده است. شاعران ایرانی دست‌کم از سده دوازدهم میلادی با الهام از صور خیال می‌سرودند و نگارگران ایرانی از اواخر سده سیزده تا اوایل دوران معاصر آثاری خلق کردند که جوهر، حال و هوا و معنای شاعرانه را در بیننده برمی‌انگیخت. سفارش نسخه‌های نفیس و زیبا از اشعار کلاسیک از سوی دربار، حکام و شاهزادگان سلسله‌های حاکم بر ایران، طی سده‌ها موجب پیوند بین هنرهای ادبی و بصری شد (سیمپسون، ۱۳۸۰: ۱۳). این اثر به دستور شاه طهماسب و در فاصله سال‌های ۹۵۰-۹۴۶ق. مصور شده است. کتاب خمسه شاه طهماسبی به دست محمود نیشابوری کتابت شد. خمسه شاه طهماسبی دارای هفده نگاره است و در حال حاضر در موزه بریتانیا در لندن نگهداری می‌شود. نگاره‌های موجود در این اثر از هماهنگی سبکی و انسجام برخوردار هستند که نشان‌دهنده اوج نگارگری در این دوره است. در تمامی مینیاتورهای این اثر جوی از اندوه پنهان است (شایسته‌فر، ۱۳۸۶: ۱۱). یکی از آثار ادبی که در این دوره نسخه‌برداری گردید، خمسه نظامی بود. ویژگی‌های منحصر به فرد این اثر نظامی یعنی فضا سازی سبب شد تا اشعار او تبدیل به یکی از مدل‌های نگارگری در این دوره شود.

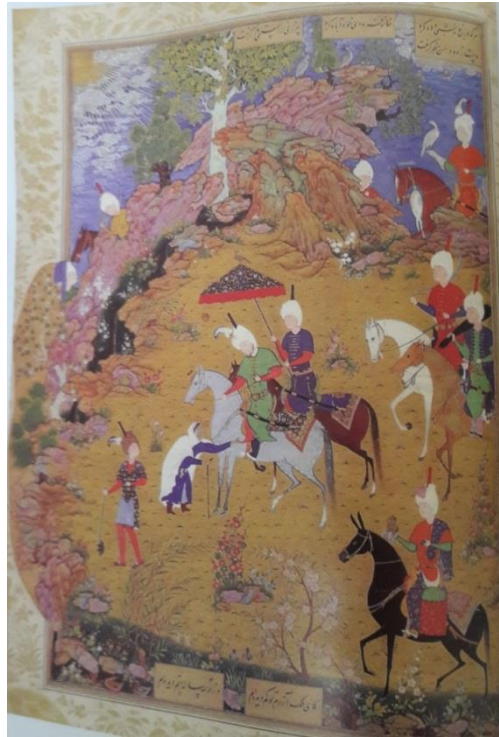
بررسی و واکاوی چگونگی خلق این اثر نشان می‌دهد یکی از این افراد هنرمند چون جلال‌الدین میرالحسینی اصفهانی مشهور به آقا میرک در تبریز در دربار شاه طهماسب اول مقام والایی داشت. او با همکاری هنرمندانی چون سلطان محمد و سایر نقاشان نامی این دوره در کتابخانه شاه طهماسبی این اثر بزرگ را خلق کردند (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۷۶: ۱۳۲) البته به غیر از افراد نام‌برده شده، هنرمندان دیگر چون میرزاعلی تبریزی، میر سیدعلی و مظفر علی نیز در خلق نگاره‌های خمسه شاه طهماسبی نقش داشتند (شایسته‌فر، ۱۳۸۶: ۱۱). به نظر می‌رسد مجموعه عواملی چون حمایت شاهان صفوی و مهارت این هنرمندان منجر به خلق اثری ارزشمند چون خمسه شاه طهماسبی شده است.

منظومه‌های مصور خمسه نظامی پس از شاهنامه فردوسی در جایگاه دوم کتاب‌های مصورسازی شده قرار دارند؛ زیرا نظامی از زبان شعری بهره می‌گیرد که سرشار از تصاویر تجسمی است. در نگاره‌های خمسه شاه طهماسبی، جهان خیالی متأثر از پنج منظومه عاشقانه و تغزلی نظامی با رنگ‌های نه‌چندان درخشان دیده می‌شود. نگاره‌های موجود در این اثر با شیوه خاصی به طبیعت و انسان پرداخته‌اند (حاجی‌نژاد، ۱۳۹۶: ۱). یکی از خلق‌کننده‌های نگاره‌های خمسه شاه طهماسبی، جلال‌الدین میرالحسینی اصفهانی مشهور به میرک آقا است که در تبریز در دربار شاه طهماسب اول مقام بالایی داشت. او با همکاری استادانی چون سلطان محمد و سایر نقاشان نامی آن دوره در کتابخانه شاه طهماسبی در خلق کتاب خمسه شاه طهماسبی نقش داشت (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۷۶: ۱۳۲). به غیر از سلطان محمد، آقا میرک، میرزا علی تبریزی و میر سیدعلی، مظفر علی نیز در نگاره‌های خمسه نظامی شاه طهماسب پیدا شده است (شایسته‌فر، ۱۳۸۶: ۱۱). این نسخه دارای ۱۷ نگاره است که ۱۴ نگاره هم‌زمان با کتابت اثر انجام شده است و در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود (فغوری و بلخاری‌قهی، ۱۳۹۲: ۱۲۷). چهار نگاره خمسه نظامی با نام «معراج پیامبر»، «پیرزن و سلطان سنجر»، «اندام شستن شیرین در چشمه‌سار»، و «بهرام گور در شکار شیران» منسوب به سلطان محمد هستند (ره‌نورد، ۱۳۹۳: ۱۲۳). نگاره‌هایی که به آقامیرک منتسب است، عبارت‌اند از: «مجنون در بیابان»، «نوشروان و گفتگوی مرغان در ویرانه» و چند صحنه درباری همچون «دو حکیم متنازع»، «تاجگذاری انوشروان» و «سرگرم شدن خسرو و شیرین با داستان‌های عاشقانه» (همان: ۱۲۴؛ حسن، ۱۳۸۸: ۱۰۸). تلاش این نگارگران و حمایت شاهان صفوی سبب شد خمسه شاه طهماسبی خلق شود و امروزه از آن با عنوان یکی از برجسته‌ترین آثار ادبی و هنری یاد شود.

۴. زن در سبک فکری نظامی و دیدگاه سیمون دوبووار (مطالعه موردی خمسه نظامی طهماسبی)

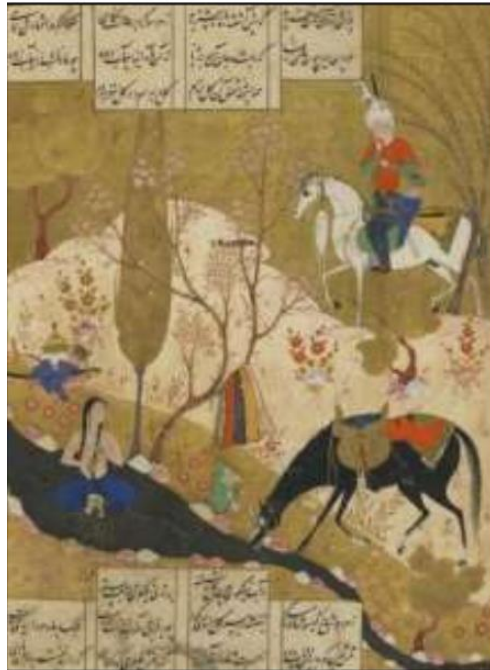
بررسی شخصیت زن در حکایت‌های خمسه نظامی نشان می‌دهد که جایگاه زن در سبک فکری نظامی بسیار متعالی و قابل اعتناست و از برخی جنبه‌ها با دیدگاه‌های سیمون دوبووار قابل مقایسه است. در خمسه نظامی شاهد نگرش متعالی به زن هستیم. حکیم گنجه در این اثر در دفاع از حقوق زن و بیان فضایل و کمالات او قلم‌فرسایی کرده و مظلومیتش را فریاد کرده است. شاید بهره‌مندی از چشمه زلال محبت مادر و عشق پاک همسر یکی از مهم‌ترین دلایل آن باشد. «بنابراین آنیمای شاعر او را بر آن داشته تا در منظومه‌های خود نگرش مثبت و والایی نسبت به زن از خود نشان دهد» (ممیزی، ۱۳۹۲: ۲۵).

همچنین تأثیرپذیری نظامی از آموزه‌های قرآن و سیره پسندیده معصومین (ع) درباره زن، زمینه‌ای بر نگاه زن‌اندیش نظامی است. «به نظر می‌رسد اندیشه سره نظامی، بدون هیچ‌گونه حاشیه‌روی و زیاده‌گویی در مخزن‌الاسرار مطرح شده است» (یزدانی، ۱۳۷۸: ۷۹). او در طرح کلی مخزن‌الاسرار اصراری بر حضور زن ندارد و به نظر می‌رسد که وجود پیرزن در حکایت «جمشید با خاصگی حرم» تنها یادآور کهن‌الگوی او یعنی همان مادر مهربان و عاقلش است و صدای پیرزن نصیحت‌گر، صدای باور قلبی و اندیشه متعالی نظامی به هویت زن است. تصویر ۱، از خمسه نظامی طهماسبی نیز پیرزن را به‌عنوان یک نصیحت‌گر به تصویر کشیده است.



تصویر ۱: نگاره پیرزن و سنجر. خمسه نظامی. دوره صفویه، مکتب تبریز. قرن دهم هجری. (منبع: کنبای، ۱۳۸۱: ۸۰)

منظومه خسرو و شیرین که شادکامی و عشرت‌طلبی شاهی به نام خسرو پرویز را به تصویر می‌کشد و عفاف و درخشندگی شخصیتی به نام شیرین را نشان می‌دهد، شاید روایت‌گر عشق ازدست‌رفته نظامی یعنی «آفاق» همسر او باشد و او این چنین مرهمی بر درد فراق خود می‌گذارد. نظامی غرور و زیبایی و خویشتنداری و قدرت و صلابت زنانه را در لوای شخصیت‌های قهرمانی چون شیرین، مهین‌بانو، شکر و مریم به رخ جهانیان می‌کشد. در سومین منظومه نظامی، لیلی و مجنون، نظامی پنجاه‌ساله که از درد فراق مادر خود نالان است، در این اوضاع و احوال به سرایش غم‌نامه لیلی و مجنون می‌پردازد. او در این منظومه سراغی از چنگ و بزم و رباب نمی‌گیرد؛ بلکه می‌کوشد به زن مقام معنوی بدهد» (ممیزی، ۱۳۹۲: ۳۲).



تصویر ۲: نگاره تماشای آب تنی شیرین توسط خسرو، خمسه طهماسبی، دوره صفوی. مأخذ: (سیف علی: ۱۳۹۷)

با وجود جفای زمانه به شخصیت لیلی و ناکامی او در وصال با مجنون، او همچنان به عشق عذرای خود پایبند است تا آنکه جان به جان آفرین تسلیم می‌کند. لیلی فریاد زن آزاده‌ای است که در عصر جاهلیت سر داده شد و پژواک آن تا قرن‌ها بعد به گوش انسان عصر حاضر می‌رسد. مسلم است که لیلی به‌عنوان عشق الهی موجب می‌شود تا مجنون در همنشینی با ددان که سمبل شیطان است و تحمل ریاضت، آرام‌آرام به رام کردن نفس خود بپردازد تا شایسته وصال حقیقی شود.

نظامی در هفت‌پیکر، بهرام‌گور را با تعلیم متعالی هفت شاهدخت از خاک بر افلاک می‌کشاند. زنان در این اثر نمادی از خرد و تدبیر پروردگار و روایتگر اخلاق هستند تا نوشاروی تلخ نصیحت را با جادوی سخن به کام شهریار و مخاطب بنوشانند. اسکندرنامه که آخرین منظومه نظامی است، دربردارنده حضور زنی است که مظهر مدرسالاری است و نظامی آگاهانه با توصیف شخصیت‌هایی چون نوشابه، حاکم «بردع»، اسکندر را که نقش مهمی در تکامل جامعه بشریت داشت، به زانو درمی‌آورد. حکومت زنانه در روایت اسکندرنامه که پیشینه‌ای بس طولانی دارد، جلوه‌ای نو از مفهوم زن‌سالاری است. اندیشه‌ای که در عصر حاضر هم طرفداران بسیاری به خود دیده است تا نظام مدرسالاری کهن را احیا کند. باوری که صرف نظر از دیدگاه غربی در مکتب هم طی قوانین و حقوق اسلامی به آن پرداخته شده است و مساوات اسلامی در باب زن و مرد را اشاعه می‌دهد.

بنابراین منظومه نظامی جلوه‌ای نو از این مضمون است تا پایه‌های نظام پدرسالار، نظام مدرسالار نیز وجود داشته باشد. با وجود آنکه عصر معاصر غرق در تمدن و مدرنیته است، اما همچنان فریاد فمینیسم و احقاق حقوق زن را سر می‌دهد و خواهان برابری حقوق زن و مرد است. عصری که تا رسیدن به قله‌های اندیشه نظامی راهی بس طولانی را پیش رو دارد. البته باورهای نوین نسبت به زن شباهت بسیاری با نگاه نظامی در حکایت‌ها دارد. همپوشانی این نگاه‌ها را می‌توان

در نظریات روشنفکران امروز با نظامی مشاهده کرد. زن «هرچند که در دوران جدید زندگی خانوادگی و زناشویی به سوی مدرنیسم پیش رفته است، اما آن نیز بحران جدیدی بر مسائل زنان افزوده است» (خطیب، ۱۳۹۹: ۲۰) و همین موضوع موجب شده نظریه پردازانی چون دوبووار به منظور شناخت هویتی زن و بهبود اوضاع حیات او به ارائه دیدگاه‌هایی نو درباره او بپردازد؛ صدایی برآمده از ادراکات یک زن. سیمون دوبووار، فیلسوف فرانسوی در کتاب جنس دوم پس از ابعاد ذهنی و عینی واقعیات جامعه، با استناد به طبیعت انسان، در قالب هستی‌گرایی به تشریح اصول جنس و جنسیت می‌پردازد. به عقیده وی آنچه زن را در قید بندگی دائمی نگه می‌دارد، دو عامل عمده ازدواج و مادری است. او خانواده را به عنوان رکن مهم حیات اجتماعی و پرورش انسان‌ها به شدت رد می‌کند و ازدواج را عامل رکود و بدبختی زنان می‌داند؛ اما در نهایت زنان را به رفتار مردانه دعوت می‌کند و معتقد است در ذهن خود، تفاوت‌های خود را با مرد به حداقل برسانند. او تغییر جنسیت ذهنی را بهترین راه موفقیت زنان می‌داند.

او این جمله معروف را بیان کرده است که «ما زن به دنیا نمی‌آییم؛ بلکه زن می‌شویم»؛ این جمله نشانگر تحمیل فرهنگ جامعه بر زنان و اهمیت تسلط فرهنگی آن بر علم و پیشرفت و توسعه انسان‌هاست. اما دوبووار در زمینه اصول اساسی خود با فمینیست‌ها متضاد بود، «دوبووار مردانگی را تأیید می‌کرد و خواستار این بود که زنان ذهنیت خود را مانند مردان کنند تا موفق شوند. او دیگر جنس‌خواهی را تأیید می‌کرد که با اصول فمینیسم در تضاد بود. سیمون در نهایت به جنبش آزادی زنان پیوست (یزدخواستی، ۱۳۸۴: ۴۷-۴۱). هرچند نظامی با جادوی کلام خود برخلاف دوبووار به شخصیت مادری و ازدواج زن بسیار بها می‌دهد اما می‌توان همانندی شخصیت‌ها را در دیدگاه نظامی و سیمون دوبووار مشاهده کرد. این زنان عبارت‌اند از: نارسسیسم، عاشق، عارف و مستقل که در اینجا ضمن معرفی این زنان از دیدگاه دوبووار به شواهدی از روایت‌های خمسه در هر نمونه پرداخته می‌شود.

۴/۱. زن نارسسیسم

از دیدگاه سیمون دوبووار در کتاب جنس دوم، زن نارسسیست زنی مغرور است که خود را مظهر کمال می‌داند؛ زیرا این زن به نظر خود هم صاحب جمال است و هم صاحب جلال؛ بنابراین او، خود را در مقام الهگی تصور می‌کند. «خدا شدن، عبارت از تحقق بخشیدن به ترکیب غیرممکن لافسه و فی‌نفسه است. لحظه‌هایی که فرد تصور می‌کند در این امر توفیق یافته، برای او لحظه‌هایی ممتاز شادی، شور و کمال به شمار می‌آیند» (دوبووار، ۱۳۷۹: ۵۴۱). این زنان جاه‌طلب در پی آنند که خود را به نمایش بگذارند. تمام سعی آنان بر این است که از زندگی خودشان نمایشی برای مورد تشویق قرار گرفتن دیگران بسازند. او از اینکه در صحنه ظاهر شود، لذت می‌برد.

در این زنان، توهم محبوب بودن می‌تواند در خلال ناراحتی‌های روانی گوناگون آشکار شود؛ اما محتوای آن پیوسته همان است ... اما آنچه اصولاً آن را مشخص می‌کند، این است که نیمه خدای توانا و پرافتخار، بیش از آنچه موردعلاقه باشد، عشق می‌ورزد و شور خود را با رفتارهای غریب و دو پهلو آشکار می‌کند (همان: ۵۶۱). این زنان به رغم نخوت و غرور سطحی، خود را مورد تهدید احساس می‌کنند. نگرانی، حساس بودن، زود خشم و مدام در کمین بودن و خودنمایی ارضاننده از ویژگی‌های دیگر آن‌هاست. آنان هرچه پیروزتر می‌شوند، با اضطراب بیشتری دنبال مدح‌ها و موفقیت‌ها می‌گردند. به اطرافیان خود بدگمانند و آنان گمراه، تسخیر شده و در تاریکی سوءنیت هستند (همان: ۵۶۶).

حکیم گنجوی در خمسه پرشور و جاذبه خود به معرفی سیمای زنانی از این دست می‌پردازد. در داستان خسرو و شیرین، پس از آنکه شیرین تن به رابطه عاشقانه با خسرو نداد، خسرو به دیار روم رفت و در آنجا با دختر قیصر روم، مریم ازدواج کرد. اما پس از آن خسرو مدت‌ها از رنج فراق شیرین می‌نالید و به رغم دوری صبوری می‌کرد. او با این صبر شادمان می‌شد. گاه با اشک، تنها یار خود بر این مصیبت شکیبایی می‌کرد و گاه بخت ستمکار را ملامت می‌کرد تا آنکه عنان از کف داد و سر صحبت را با مریم گشود و از غم دوری خود گفت. مریم، تلخی کرد و گفت: هر چه شیرین از من دورتر باشد، بهتر است؛ زیرا که او بدنام گشته است و دشمنان زیادی دارد. او تو را می‌فریبد و مرا از تو دور می‌کند. شاید تو از وجود او راضی شوی ولی من از درگاهت دور می‌شوم. او با زرق و حيله تو را از راه می‌راند. او زنی وفادار نیست. اگر بر من ستم کنی و او را به درگاه بیاوری، من خود را می‌کشم. خسرو با این سخنان مریم دریافت که جفت با جفت نمی‌سازد. پس شاپور را پنهانی فرستاد تا شیرین را به مراوده با او فراخواند:

یقین شد شاه را چون مریم این گفت	که هرگز در نسازد جفت با جفت
سوی خسرو شدی پیوسته شاپور	به صد حیلت پیامی داد از دور
بیا تا یکسواره بر نشینیم	ره مشکوی خسرو بر گزینیم
طرب می ساز با خسرو نهانی	سر آید خصم را دولت جوانی

(نظامی، ۱۳۹۵: ص ۱۹۹-۱۹۷)

اما شیرین که از ازدواج خسرو رنجور بود، شکایت کرد و از ارتباط پنهانی سرباز زد. آنچه در این روایت چشمگیر است، صفات مریم به‌عنوان زنی بااصالت است؛ ولی او وجود رقیب را بر نمی‌تابد و حتی کارشکنی‌هایی می‌کند تا شیرین را از خسرو دور نماید. او به‌عنوان زنی نارسیسم شخصیتی انحصارطلب و خودکامه دارد. حسادت زنانه ویژگی بارز مریم است. او در این ماجرا سرشار از غرور و تکبر است و تمام تلاش خود را برای دور کردن شیرین از خسرو می‌کند. او زنی سلطه‌گر است که تنها مرگ توانست خسرو را از چنگ او بیرون آورد:

چنان افتاد تقدیر الهی	که بر مریم سرآمد پادشاهی
برست از چنگ مریم شاه عالم	چنانک آبستان از چنگ مریم

(همان: ص ۲۷۷-۲۶۶)

سیمای مریم در این اثر سیمایی مادی و سرشار از بغض‌های زنانه است. چنین زنی در این اثر راه به عالم متعالی ندارد؛ زیرا نمی‌تواند ترک تعلق کند و از لذات نفسانی خود را رهایی بخشد: «تا وقتی انسان در تعلقات خودی پایبند خور و خواب و خشم و شهوت باقی است و هنوز به آنچه لازمه اندیشه است، تحقق پیدا نکند، سلوک در مراتب کمال در شأن او نیست» (زرین کوب، ۱۳۹۴: ۲۷۴). خسرو سمبلی از انسان آزاد است که زن وسیله هدایت او به سوی کمال است؛ اما مریم نمی‌تواند او را به جایگاه حقیقی و متعالی‌اش برساند و هیچ پند حکیمانه‌ای را به او گوشزد نمی‌کند؛ بنابراین

خسرو با وجود تعهد نسبت به مریم هنوز دلبسته شیرین است. شیرین مظهر راهنما و مرشد در رسیدن به کمال برای خسرو است که وجود نفسانی خسرو را سرانجام به وجود روحانی سوق می‌دهد.

۴/۲. زن عاشق

در کتاب جنس دوم، این زن شخصیتی فرمان‌بردار دارد. او محکوم به وابستگی است و ترجیح می‌دهد به خدا خدمت کند. او آن چنان با اشتیاق یوق بردگی را برمی‌گزیند که گویی آزادی‌اش را انتخاب کرده است. او در خلال تمام رفتارهای خود از مرد موردعلاقه‌اش، حداکثر تجلیل را به عمل می‌آورد و او را ارزش و واقعیت عالی مطرح خواهد کرد. در برابر او نابود و محو خواهد شد. عشق برای او به نوعی مذهب بدل می‌شود. او نیز نوعی زن نارس‌یست است و در پی آن است که به وساطت فردی دیگر که به واقعیت دست می‌یابد، بی‌پایان شود. زن عاشق، هرچه را معشوق خوار بشمارد، انکار می‌کند. زن میل دارد همه وجود خود را برای او فدا کند. او در پیشکش کردن خود تا سرحد شکنجه و مرگ پیش می‌رود و هرچیز را که برای محبوب بی‌فایده باشد، با هیجان نابود می‌کند. غافل از آنکه چیزهایی را که زن عرضه می‌کند، مردها به هیچ‌وجه در بند پذیرفتن نیستند. روزی که برای زن امکان داشته باشد که با قدرت، نه ضعف، برای آشکار کردن خود، نه برای کناره‌گیری دوست داشته باشد، آن وقت عشق برایش مانند عشق مرد، منبع زندگی خواهد بود، نه خطر کشنده» (دوبووار، ۱۳۷۹: ۶۰۳-۵۶۹).

در حکایت خسرو و شیرین نظامی، شیرین زنی عاشق است که پس از تحمل مرارت‌ها و امتحان‌های فراوان سرانجام به وصال خسرو می‌رسد و همسر او می‌شود. شیرین عاشق عاقلی است «یا به عبارتی شیرین عاقلانه عاشق می‌شود؛ عاشقی که از قبل حکایت‌های خسرو را شنیده است، او را می‌شناسد و بر او عاشق گشته است و چون خسرو را می‌بیند، بی‌پرده به او عشقش را ابراز می‌کند و تا آخر عمر برای به‌دست آوردن خسرو با کابین حلال تلاش می‌کند و موفق هم می‌شود» (منصوری میمندی، ۱۳۹۶: ۳۳۹). اما آیا این معاشرت در جامعه زمان شیرین پذیرفته شده است؟ «در دیار شیرین منعی در مصاحبت و معاشرت مرد و زن نیست. شخصیت دختران پاسدار عفاف ایشان است که به جای ترس از پدر و بیم بدگویان، محتسبی در درون خود دارند» (سعیدی سیرجانی، ۱۳۸۵: ۱۲).

سیمای شیرین در خمسه، سیمای زنی خوب است یعنی «زنی که جوان باشد، نازک و نغز و دلستان باشد، شوی همواره از او خندان باشد، بر بام گذر نکند، پاکدامن و کدبانو باشد» (نبئی، ۱۳۹۲: ۱۴۹). صبر بر ارتکاب گناه و خویش‌تنداری-های شیرین در برابر وسوسه‌های خسرو از صفات بارز او در این داستان است. او آن چنان بی‌قرار وصال با یار بود که دست از تخت و قدرت در دیار ارمن برمی‌کشد و راه مشکوی در مداین را در پیش می‌گیرد. در این عشق، شیرین، خسرو را به عاشقی فرا می‌خواند و با او نرد عشق می‌بازد. ماجرای خسرو و شیرین سرشار از حفظ عصمت است تا جایی که مهین‌بانو، شیرین را در این امر پند می‌دهد تا هرگز فریب خسرو را نخورد و او را با شیرین‌زبانی‌هایش آسان به دست نیاورد و سرانجام شیرین نیز آن پندها را چون حلقه در گوش خود کرد:

به شیرین گفت کای فرزانه فرزند نه بر من، بر همه خوبان خداوند

گر این صاحب جهان دلدادۀ تست شکاری بس شگرف افتادۀ تست

نباید کز سر شیرین زبانی

خورد حلوی شیرین رایگانی

(نظامی، ۱۳۹۵: ۱۲۰)



تصویر ۳: نگاره نشان دادن تصویر شیرین به خسرو، خمسه طهماسبی، دوره صفوی. مأخذ: (شایسته فر: ۱۳۸۶).

بنابراین نگاه نظامی به زن عاشق آنچنان با احترام و ارزش است که زیباترین ترکیبها و تصویرها را در باب او به کار می‌گیرد. زن عاشق در سبک فکری نظامی بی‌اراده و تسلیم محض معشوق نیست و این برخلاف زن عاشق دوبووار است که چهره‌ای خاضع و مطیع دارد. نظامی بر پاک نگه داشتن زنان قصه‌اش مصمم است و پاکدامنی را فضیلتی برای زن بر می‌شمرد. آن چنان که در اولین دیدار خسرو و شیرین در کنار چشمه، با وجود آنکه خسرو در قید و بند اخلاق نیست، او را با شرم روبه‌رو می‌کند و لحظه‌ای بداندیشی را در ذهن مخاطب پدید نمی‌آورد. حیا که ویژگی زن عاشق در این اثر است، از باور پاکی است که نظامی نسبت به زن دارد و شیرین را در پرده عصمت می‌پوشاند تا جایی که او برای دورماندن از هر اتهامی از صحنه‌های خلوت پرهیز می‌کند.

۴/۳. زن عارف

به عقیده سیمون دوبووار، عشق برای زن به‌مثابه والاترین میل طبیعی او در نظر گرفته شده است و هنگامی که زن آن را متوجه مردی کند، در وجود او به دنبال خدا می‌گردد. اگر موقعیت‌ها و عشق انسانی را بر او منع کنند، زن چه سرخورده یا پرتوقع باشد، پرستش و الوهیت را برمی‌گزیند. آنچه تاحدودی جنبه واقعی دارد، یکی انگاشتن عرفان و هذیان خود را محبوب دانستن است که زن احساس می‌کند از طریق عشق مردی صاحب‌سلطه، ابتکار روابط عاشقانه

را به دست می‌گیرد. امروزه می‌پذیرند که هذیان خود را محبوب دانستن، سیمایی گاه افلاطونی و گاه جنسی به خود می‌گیرد. در احساس‌هایی که زن عارف وقف خداوند می‌کند، جسم هم کم و بیش دارای سهم است. زن در درجه اول در عشق الهی چیزی را می‌جوید که زن عاشق از عشق مرد می‌طلبد؛ تجلیل از نارسیسیسم خودش. عرفان مانند عشق می‌تواند جزئی از عیب‌های فعال و مستقل شود. اما این کوشش‌های مربوط به نجات فردی فی‌النفسه جز به شکست نمی‌تواند بینجامد. زن با یک غیرملموس، همزادش یا خدا، ارتباط برقرار می‌کند، به‌هر حال تسلطی بر دنیا ندارد، از ذهنیت خود نمی‌گریزد. این زن می‌تواند آزادی‌اش را تنها از طریق اقوامی مثبت در یک اجتماع انسانی طرح‌ریزی کند (دوبووار، ۱۳۷۹: ۶۱۶-۶۰۶).

در خمسه نظامی زانی حضور دارند که یا راهنما به سوی خداوند هستند یا خود رمزی از خداوند هستند. در لیلی و مجنون، محور این منظومه بر حول عشق عذری یا الحبه العذری می‌چرخد؛ عشقی پاک و بی‌وصال. داستان در قبيله ایاز اعراب شکل می‌گیرد که هنوز سنت‌ها و قوانین بی‌روح بر آن حاکم است. شاعر در این روایت، لیلی را در یک جامعه بسته و متعصب می‌آفریند با یک عقیده و رسم ظالمانه که وقتی عشق بین دختری با مرد محبوبش فاش گردد، خانواده دختر را بدان مرد شوهر نمی‌دهند (زرین‌کوب، ۱۳۸۶: ۱۱۵). لیلی در این داستان تجلی از خداوند برای مجنون و مجالی برای رسیدن به حقیقت است. لیلی سمبل کمال است که مجنون و دیگر همسالان را مجذوب خود کند. هرچند انسان کامل در نگاه نظامی، شخصیت نبی اکرم (ص) است و «حکیم نظامی که سیمای انسان کامل را در وجود پیامبر (ص) ترسیم می‌کند، او را به‌عنوان جان عالم می‌پندارد که هستی عالم به وجود او متصل است» (حیدری نوری، ۱۳۹۳: ۹۳) ولی نظامی در تمثیل جنسیت را به کنار می‌نهد و زن را رمز خداوند معرفی می‌کند. در اندیشه صوفیانه حکیم گنجه، زن تجلی جمال الهی است و این تفکر ریشه در نظریه ابن عربی دارد. در دیدگاه ابن عربی زن مظهر جمال جمال و مرد مظهر جلال الهی است و آن دو از اسماء خداوند هستند و مظاهر گوناگونی دارند. جلوه خداوند در عالم نمود جمالی است و از رحمت و لطف الهی حکایت می‌کند و جلال مظهر قهر است که زلف سیاه، اشاره به آن است؛ پس همین مظهریت جمال حق موجب شده است که زن بر مرد تأثیر باطنی داشته باشد. با توجه به این ویژگی مرد به او نیاز روحی دارد و «اینجاست که زن مرتبه قبلگی و آینگی نسبت به مرد پیدا می‌کند» (فتاحی، ۱۳۹۳: ۹۲).

سلطنت معنوی و جمالی زن بر مرد از جمله موضوعی است که در باور اهل عرفان چون ابن عربی بدان اشاره شده است؛ بنابر اعتقاد عرفا ادراک ذات خداوند بر هیچ‌کس مقدور نیست؛ بلکه خداوند را تنها می‌توان در مظاهر دید و زن مظهر لطف و جمال خداوند است و آن دلربایی و حسن از آثار ظهور جمال حق است. چنان‌که لیلی به عنوان رمز حق بر مجنون که رمز سالک است، جلوه کرد و مجنون در چهره او جمال خداوند را مشاهده کرد. این زیبایی، زیبایی مادی نیست؛ بلکه زیبایی معنوی است. زن عارف در سبک فکری نظامی - در عشق - از لذت تن برخوردار نیست؛ ولی دوبووار علاوه بر ارتباط روحانی زن را از لذت جسمانی هم بهره‌مند می‌سازد. نظامی زن را در این شخصیت، به مقام خداوندی می‌رساند؛ جایی که لذت جسمانی جایی در آن ندارد. زن عارف در سبک فکری نظامی بسیار متعالی‌تر از زن عارف عاشق در دیدگاه دو بووار است؛ از این‌رو او چهره‌ای والاتر نزد مخاطب دارد.

در حکایت اول هفت پیکر که زن سیاهپوش ماجرای شاهی را تعریف می‌کند که مدهوش لمحهای تعریف از زیبارویان شهری، راهی آن دیار می‌شود. در آن شهر با اشارت قصابی در سبد می‌نشیند که با طناب بسته بود و ناگهان سبد پر گرفت و به آسمان رفت و پس از آنکه خود را به پای پرنده‌ای آویخت، آن پرنده او را به سرزمین زیبارویان برد. او در آنجا شیفته و دلباخته پادشاه زیبارویان که زنی اصیل و صاحب جمال بود، می‌شود، اما شاه که هیچ‌یک از زنان به چشمش نمی‌آمد، وقتی اصرار بر وصال با پادشازن کرد، طی چشم‌برهم‌زدنی خود را در سبد یافت.

بی‌شک پادشاه زیبارویان در این داستان رمزی از خداوند است و عالم زیبارویان عالم ملکوتی است که لبریز از نعمت‌ها و حوریان است. پادشاه نیز سمبل انسان در ورطه عشق الهی است و این حکایت یادآور داستان حضرت آدم و میوه ممنوعه است که زمینه‌ساز هبوط و سقوط او شد. آنچه حکیم نظامی اینجا به آن اشارت کرده است، این است که شاه زیبارویان زن است؛ چراکه زن در دیدگاه او تجلی حضرت حق است و مظهر زیبایی؛ چنان‌که زن عارف در این داستان متصف به چنین صفاتی است. علاوه بر آن صفت جلال را هم داراست؛ بنابراین زن عارف در سبک فکری نظامی که بهره‌یاب از اندیشه ابن عربی است، سمبلی از انسان کامل است و «انسان کامل موجودی است که به وسیله او سر حق به حق ظاهر می‌شود. مراد از سر حق نیز کمالات ذاتیه خداوند است که تنها انسان قادر است آن‌ها را نشان دهد» (اعوانی، ۱۳۸۹: ۱۵۴).

۴/۴. زنان مستقل

سیمون دوبووار در جنس دوم، در معرفی زن مستقل به این نکته اشاره دارد که او زنی است که امروزه دارای آزادی مدنی است و این آزادی همراه با استقلال اقتصادی است. او زنی است که به‌واسطه کار دارای آزادی واقعی است. «از لحظه‌ای که زن دیگر انگل نباشد، نظامی که بر وابستگی بنا شده است، درهم می‌ریزد و دیگر بین او و دنیا نیازی به واسطه مذکر نیست... آن وقت در خلال نارسیسیسم، عشق و مذهب، در تعقیب بیهوده هستی واقعی‌اش سماجت می‌ورزد، زن تولیدکننده و فعال، تعالی خود را به چنگ می‌آورد، در طرح‌هایش خود را به نحو واقعی به مثابه نفس آشکار می‌کند» (دوبووار، ۱۳۷۹: ۶۱۹).

زن روشنفکر به همان نسبت که از عدم موفقیت می‌ترسد، با همت به کوشش می‌پردازد. این زن می‌کوشد سن و سالش را انکار کند، مثل دخترهای خردسال لباس می‌پوشد و درباره رفتارهای بچه‌گانه و حیرت‌آور راه مبالغه‌آمیزی را در پیش می‌گیرد. «زن مستقل با شبیه کردن خود به مرد، خود را می‌رهاند» (همان: ۶۶۴). مقصود از زنان مستقل در خمسه، زنانی هستند که علاوه بر نقش‌های فردی در خانواده، در جامعه نیز عهده‌دار نقش‌های مهمی هستند. چنان‌که زن می‌تواند و باید در کنار انجام وظیفه اساسی و مادری در چارچوب خانواده، به انجام وظایف دیگری در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مبادرت کند. چنان‌که مردان نیز ضمن مسئولیت در مقابل همسر و فرزند در فعالیت‌ها حضور دارند (شمس‌الدین، ۱۳۷۶: ۱۹). سیمای زن در شعر نظامی آشکار و دوست‌داشتنی است. زنان در داستان‌های

وی قدرت بالقوه رهبری، اداره کشور و حکمت و خردمندی را دارند. آن‌ها در حکمرانی و سیاست، حکمت و دانش، عفت و پاکدامنی و عدالت بی‌بدیل‌اند (حسینی، ۱۳۸۷: ۹۶).



تصویر ۴: نگاره بهرام گور در گنبد سیاه، هفت پیکر، خمسه شاه طهماسبی، دوره صفوی. (مأخذ: شایسته فر: ۱۳۸۶)

در نگاره بالا هفت زن به عنوان نغمه‌سرا و موسیقی‌دان حضور دارند که خود نمودی از حضور فعال زنان در اجتماع است. نظامی در خمسه به معرفی زنانی از این دست می‌پردازد که شایستگی ریاست مدینه فاضله را دارند؛ بنابراین ریاست مدینه یا آرمان‌شهر یکی از حقوق اجتماعی و سیاسی زنان است. حکیم گنجه در داستان‌پردازی‌های خود معتقد است زن همانند مرد می‌تواند نور معرفت را کسب کند و رئیس مدینه فاضله شود. این نظریه فلسفی نظامی با نظریه مردم‌شناسی تحت عنوان نظام مادر سالاری حاکم بر اعصار گذشته مشابهت دارد: «مردم‌شناسان پیشگام از رهگذر پژوهش‌ها به روش‌های گوناگون دریافتند که سازمان اجتماعی به فرم مادر پیش از جامعه شهرنشین پدرسالار وجود داشته است» (رید، ۱۳۸۷: ۱۴۷).

پیر گنجه در روایت اسکندرنامه، داستان «شهر زیبایی» را می‌آورد که مردم در آن سعادت‌مندند و به شادی روزگار را کران می‌کنند. مردم در این سرزمین، خود اداره امور خویش را بر عهده دارند و اسکندر در پایان سفر دراز خود بدانجا می‌رسد. آنجا آرمان‌شهر نظامی است. نظامی با وجود آنکه می‌داند در عصر زن‌گریز خود، زنان از بی‌عدالتی رنج می‌برند؛ بنابراین به احیاء نظام مادرسالار حاکم بر اعصار گذشته می‌پردازد. شهری که زنی به نام نوشابه یا قیدافه بر آن فرمان می‌راند، در سرزمین ارمن قرار دارد. در اسکندرنامه نظامی، نوشابه به صفات قوی رایبی، روشن دلی، نغزگویی، فرزانه خویی و فرشته منشی ستایش می‌شود؛ در خدمت نوشابه هزاران زن زیباروی دوشیزه خدمت می‌کردند و او هزاران

غلام شمشیرزن دارد. اما از مردان هیچ کس بر درگاه او راه ندارد و با هیچ مردی ملاقات نمی‌کند. جایگاه مردان در اقطاع پیرامون شهر است و اجازه ورود به شهر را ندارند، تا آنکه اسکندر سرانجام مخفیانه به هیات رسولان وارد درگاه او می‌شود و با او ملاقات می‌کند. پند و اندرزهای نوشابه به اسکندر حاکی از خردمندی و ارجمندی بانو است (حسینی، ۱۳۸۵: ۱۲۴-۱۲۵).

زنی حاکمه بود نوشابه نام	همه ساله با عزت و نوش جام
قوی رای و روشن دل و نغز گوی	فرشته منـش بلکه فرزانه خوی
هزارش زن بکر در پیشگاه	به خدمت کمر بسته هر یک چو ماه
بجز زن کسی کارسازش نبود	به دیدار مردان نیازش نبود

(نظامی، ۱۳۷۳: ۱۶۹۷-۱۶۹۲)

احیاء مادرسالاری در مثنوی خمسه یا پنج گنج از سوی نظامی سندی محکم بر رد نظریات تحقیرآمیز و بداندیش نسبت به زنان چه در حوزه ادبیات و چه در عرصه جامعه است؛ بنابراین زن‌ستیزی و نگاه تبعیضی داشتن و تحقیر و ستم روا داشتن به این نیمه دوم پیکر اجتماع امری محسوس است (مشایخ سنگ تجن، ۱۳۹۶: ۱۶۷).

۱. جایگاه زن در سبک فکری نظامی در مقایسه با دیدگاه سیمون دوبووار. (مأخذ: نگارنده)

ردیف	ویژگی‌های زنان	مقایسه
۱	نارسیسیسم	شخصیت مریم در خسرو و شیرین که تمامی ویژگی‌های نارسیسیسم موردنظر سیمون دوبووار در او وجود دارد و از این نظر تشابه کاملی میان نظریه دوبووار و سبک فکری نظامی در این داستان دیده می‌شود.
۲	زن عاشق	شیرین در داستان خسرو و شیرین، نماد زن عاشق است که در نظریه سیمون دوبووار مطرح شده است؛ با این تفاوت که این شخصیت هرگز بی‌اراده و تسلیم محض در برابر عاشق نیست و هاله‌ای از تقدس و حرمت او را فرا گرفته است.
۳	زن عارف	لیلی در خمسه نظامی نماد زن عارف در نظریه سیمون دوبووار است اما زن عارف در سبک فکری نظامی بسیار متعالی‌تر از زن عارف عاشق در دیدگاه دوبووار است و خواسته‌های نفسانی در سبک فکری نظامی جایگاهی ندارد.
۴	زن مستقل	شخصیت نوشابه در خمسه نظامی نماد زن مستقل در نظریه سیمون دوبووار است اما نوشابه در خمسه نظامی مردستیز نیست؛ بلکه نظامی خواسته تا قدرت و مهارت او را به عنوان یک زن در رهبری و ریاست جامعه نشان دهد و نوشابه در کنار دارا بودن ویژگی‌های موردنظر سیمون دوبووار، روحیه مردستیز نداشته و شخصیتی متعالی است.

نتیجه‌گیری

بررسی جایگاه زن در سبک فکری نظامی و سیمون دوبووار نشان می‌دهد که مشابهت‌های قابل توجهی از حیث طبقه‌بندی زنان و برخی ویژگی‌های شخصیتی آنان در سبک فکری نظامی و دیدگاه سیمون دوبووار دیده می‌شود. البته این به معنای تشابه کامل دیدگاه نظامی و دوبووار نیست و آن‌ها در برخی زمینه‌ها با یکدیگر نیز دیدگاهی کاملاً متفاوت دارند. در مجموع، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در شخصیت‌های زنانه سیمون، زن نارس‌سیسم، با غرور و سرکشی‌های خود جلوه‌ای منفور دارد و نظامی هم در معرفی این شخصیت، به صفات ناشایست آنان اشاره می‌کند در معرفی زن عاشق، نظامی برخلاف سیمون دوبووار، زنانی با عفت و حیایه را در عشق‌ورزی معرفی می‌نماید؛ خردمندی ویژگی بارز زنان عاشق در خمسه است. صفتی شایسته که زنان عاشق سیمون، فرسنگ‌ها از آن فاصله دارند. نظامی در معرفی زنان عارف، آنقدر زن را متعالی می‌داند که آنان چهره‌ای ایزدی به خود می‌گیرند و به‌رغم زنان عارف دوبووار از هیچ لذت جسمانی بهره نمی‌برند. حکیم گنجه در معرفی این زنان، سیمایی آرمانی از شخصیت زن را به نمایش می‌گذارند. نگاه پسندیده و واقع‌گرای نظامی به زن را می‌توان در شخصیت زن مستقل زنانه یافت، زنانی آزاده که هم‌دوش مردان در عرصه جامعه حضور دارند و بر کژاندیشی‌ها و زن‌گریزی‌های حضور زنان در این صحنه قلم بطلان می‌کشند. با وجود نزدیکی دیدگاه نظامی و دوبووار در سایر شخصیت‌ها، شخصیت زن مستقل نقطه تلاقی و گره‌خوردگی سبک فکری نظامی با سیمون دوبووار است که هر دو اندیشمند برآنند که زن می‌تواند و باید در هر عصری هم در خانواده و هم در جامعه نقشی فعال داشته باشد. اگرچه باز در این زمینه نیز نظامی جایگاهی معنوی و متعالی برای زن قائل است. زن مستقل در اندیشه نظامی از جامعه امروز بیگانه نیست و او در هر عصری حضور دارد.

منابع

کتاب‌ها

- حسن، زکی محمد. (۱۳۸۸). *هنر ایران در روزگار اسلامی*. تهران: صدای معاصر.
- دوبووار، سیمون. (۱۳۷۹). *جنس دوم*، ترجمه قاسم صنعوی، چاپ دوم، تهران: توس.
- رید، ایولین. (۱۳۸۷). *مادرسالاری (زن در گستره تاریخ)*، ترجمه افشنگ مقصودی، تهران: گل آذین.
- رهنورد، زهرا. (۱۳۹۲). *تاریخ هنر ایران در دوره اسلامی*. کتاب آرایبی، تهران: سمت.

زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۹۴). *پله پله تا ملاقات خدا*، چاپ سی و چهارم، تهران: علمی.

_____ (۱۳۸۶). *پیرگنجه در جست و جوی ناکجاآباد*، چاپ چهارم، تهران: نشر سخن.

زمانی، کریم. (۱۳۸۶). *میناگر عشق (شرح موضوعی مثنوی معنوی)*، چاپ پنجم، تهران: نی.

ستاری، جلال. (۱۳۷۵). *سیمای زن در فرهنگ ایرانی*، چاپ دوم، تهران: مرکز.

سعیدی سیرجانی، علی اکبر. (۱۳۸۵). *سیمای دو زن*، چاپ دهم، تهران: پیکان.

سیمپسون، ماریانا شرو. (۱۳۸۰). *شعر و نقاشی ایرانی: هفت اورنگ سلطان ابراهیم میرزا*. مترجم عبدالعلی براتی، فرزاد کانی، تهران: نسیم دانش.

شمس الدین، محمد مهدی. (۱۳۷۶). *حدود مشارکت سیاسی زنان در اسلام*، ترجمه محسن عابدی، لبنان: بعثت.

کریم زاده تبریزی، محمدعلی. (۱۳۷۶). *احوال و آثار نقاشان قدیم ایران*، تهران: مستوفی.

نظامی، الیاس بن یوسف. (۱۳۹۵). *خسرو و شیرین*، به تصحیح سعید حمیدیان، چاپ شانزدهم، تهران: قطره.

_____ (۱۳۷۳). *گزیده اسکندرنامه*، توضیح عبدالمحمد آیتی، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

یزدانی، زینب. (۱۳۷۸). *زن در شعر فارسی (دیروز-امروز)*، تهران: فردوس.

مقالات:

اعوانی، غلام رضا؛ دادبه، اصغر و بادنج، حسن. (۱۳۸۹). «انسان کامل به روایت ابن عربی»، فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، شماره ۳۴، صص ۱۶۰-۱۳۵.

حاجی نژاد، سارا. (۱۳۹۶). «تحلیل نگاره‌های خمسه نظامی طهماسبی در بستر تاریخی- هنری مکتب نگارگری تبریز صفوی». چهارمین همایش ملی متن‌پژوهی ادبی نگاهی تازه به متون تاریخی.

حسینی، مریم. (۱۳۸۵). «آرمان‌شهر زنان مقایسه تطبیقی داستان شهر زنان اسکندرنامه شاهنامه فردوسی و اسکندرنامه نظامی با اسطوره‌های کهن یونانی و داستان‌های اتو پیایی»، پژوهش زنان، شماره ۳، صص ۱۳۱-۱۱۷.

حسینی، مریم. (۱۳۸۷). «بررسی تطبیقی سیمای زن در آثار خاقانی و نظامی»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، شماره ۲۳، صص ۸۹-۱۱۰.

حیدری نوری، رضا. (۱۳۹۳). «انسان کامل از نگاه نظامی»، پژوهش‌های اعتقادی-کلامی، شماره ۱۳، صص ۷۳-۹۸.

خطیب، رفعت؛ سرور یعقوبی، علی. (۱۳۹۹). «بررسی و مقایسه جایگاه زنان در روایت‌های محمود دولت‌آبادی، احمد محمود، فریبا وفی سپیده شاملو»، ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، شماره ۹ (۵۵)، صص ۱-۲۴.

شایسته‌فر، مهناز. (۱۳۸۶). «جایگاه مضمونی و زیباشناسی شعر در نگاره‌های خمسه شاه طهماسبی». فصلنامه مطالعات هنر اسلامی، شماره ۷، صص ۷-۲۲.

شریف‌زاده، محمدرضا؛ تقدس نژاد، زهرا. (۱۳۹۸). «بررسی تطبیق داستان نگاره مجنون در میان ددان خمسه طهماسبی با نگاره پارچه مضبوط در موزه بوستون به شماره ثبت ۲، ۱۹۲۸، براساس نظریه بینامتنیت». فصلنامه مطالعات هنر اسلامی، شماره ۳۴، صص ۲۹-۴۶.

- فتاحی، ذکیه. (۱۳۹۳). «نگاه مشترک ابن عربی و مولوی (درباره منزلت حقیقی زن در خلقت)»، زن و جامعه، شماره دوم، صص ۱۰۴-۸۵.
- فغفوری، رباب؛ بلخاری قهپی، حسن. (۱۳۹۲). «نمود معماری صفوی در نگارگری مکتب دوم تبریز»، اولین همایش بین‌المللی نوآوری و تحقیق در هنر و علوم انسانی.
- مشایخ سنگ تجن، زینت؛ حیدری، فاطمه. (۱۳۹۶). «تحلیل هویت و جایگاه زن در «سووشون» سیمین دانشور و «پرنده من» فریبا ولی»، فصلنامه تخصصی تفسیر و تحلیل متون زبان ادبیات فارسی (دهخدا)، شماره ۳۴، صص ۱۷۷-۱۵۷.
- ممیزی، فاطمه؛ بهمنی مطلق، یدالله. (۱۳۹۲). «خمس نظامی؛ نردبان صعود زن»، فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ، شماره هجدهم، صص ۴۰-۲۵.
- منصوری میمندی، مهرنوش. (۱۳۹۷). «بررسی سیمای زن در آثار امیر خسرو دهلوی و مقایسه آن با روان‌شناسی زنان در نظریه تونی گرنه»، فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، شماره ۲(۴۰)، صص ۳۵۶-۳۳۵.
- ناصری، فرشته؛ فرزاد، عبدالحسین. (۱۳۹۲). «تحلیل جلوه‌های ادبیات غنایی در سه منظومه نظامی با تکیه بر نقش زن (خسرو و شیرین، لیلی و مجنون هفت پیکر)»، تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)، شماره ۱۵، صص ۲۱۳-۱۸۵.
- نبئی، مینا؛ فرصتی جویباری، رضا. (۱۳۹۲). «بررسی جایگاه زنان در امثال و حکم فارسی با رویکرد جامعه‌شناسی»، فصلنامه تخصصی تحلیل و نقد متون زبان و ادبیات فارسی، شماره ۱۶، صص ۱۷۶-۱۴۵.
- یزدخواستی، بهجت. (۱۳۸۴). «مروری بر افکار سیمون دوبووار، مطالعات راهبردی زنان - شورای فرهنگی اجتماعی»، زنان و خانواده، شماره ۲۹، صص ۵۹-۳۹.